

سیره و سیمای آخرین آواگر قدسی

(محمد رسول خدا (ص))

جلد دوم

شجره شریفه

نویسنده:

حسین تقی‌زاده سالاری

انتشارات آثار سبز

۱۳۹۸

سرشناسه	تقی زاده سالاری، حسین، ۱۳۲۳ -
عنوان و نام پدیدآور	محمد رسول خدا (ص): شجره شریفه / نویسنده حسین تقی زاده.
مشخصات نشر	تهران: آثار سبز، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۶۶ ص.
فروست:	سیره و سیمای آخرین آواگر قدسی: ۲.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۵۶۶-۷۶-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
عنوان دیگر	شجره شریفه
موضوع	محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ا.ق. - اجداد
موضوع	بت پرستی -- تاریخ
موضوع	عربستان -- اوضاع اجتماعی -- پیش از اسلام
رده بندی - نره	۳۱۳۹۸ ش ۷/۲۵ BP
رده بندی دیبر	۳۹۷/۹۳۱
شماره کتاب شناسی	۵۶۱۹۰۱۱

سیره و سیمای آخرین آواگر قدسی (محمد رسول خدا (ص))

شجره شریفه

نام نویسنده: حسین تقی زاده سالاری

ناشر: آثار سبز

صفحه آرایشی: احمد مهدی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۶۶-۷۶-۲

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان



فهرست

۱۱.....	مقدمه
۱۷.....	پیش‌نگارش
۲۰.....	کسب سعادت در سال طیبه پیامبر اکرم (ص)
۲۴.....	جدول اسامی اجداد پیامبر (ص) تا عدنان
۲۶.....	مستندات جدول بیست‌گانه «سیره طیب» در نخستین نیای پیامبر اکرم (ص)
۲۶.....	عبدالمطلب
۲۷.....	شرط ازدواج
۲۷.....	اجرای تعهد
۲۸.....	سفر بی بازگشت
۲۸.....	نوزاد یتیم
۲۸.....	اصابت به هدف و تغییر محیط زندگی
۲۹.....	گفتگوی سرنوشت‌ساز
۳۰.....	هجرت از یثرب به مکه
۳۱.....	مرگ مطلب
۳۱.....	دادخواهی مجدد، نامه به یثرب
۳۲.....	شمشیر ظلم ستیز
۳۳.....	دفاع از مظلوم مرز اعتقادی نمی‌شناسد
۳۴.....	قاتلین پناهنده شده‌اند

۳۴	در دادگاه
۳۶	نخستین نیایش‌گر
۳۶	نخستین نیای موحد و نستوه پیامبر (ص)
۳۹	مرگ عبدالمطلب
۳۹	مستندات
۴۰	درباره هاشم
۴۰	دومین نیای نبی مکرم اسلام (ص)
۴۱	هاشم عدد مناف
۴۳	برگه یکم، سخت‌روت و جوانمردی
۴۵	برگه دوم، شترخوار و نیکوی انسانی
۴۷	برگه سوم، شش‌بران عمران و آبادانی
۴۸	برگه چهارم، قلابی امن و اقتصادی
۵۰	برگه پنجم، ابتکار و مدیریت
۵۲	مشخصات ظاهری و دال علی
۵۳	درباره سومین جد رسول خدا (ص)
۵۳	عید مناف
۵۶	درباره جد چهارم رسول خدا (ص)
۵۷	چرا قُضی نام نهادند
۵۷	ریشه خانوادگی قُضی
۵۸	هجرت به مکه
۵۸	لغو اختیارات
۵۹	ترس در قبیله خزاعه و از کف دادن مسئولیت
۵۹	مسئولیت‌های جدید
۵۹	اعلامیه مهم قُضی
۶۰	تشکیل مجلس مشورتی
۶۰	محبوبیت مستمر
۶۱	ایجاد مجتمع مسکونی
۶۱	قدرشناسی مردم از قُضی
۶۱	قُضی و ابتکارات او

۶۲	فُضی یک موخُد بود
۶۲	مرگ فُضی و وصیت او
۶۲	چند سخن سدید از فُضی
۶۷	گفتار دوم: نمادهای پرستش
۶۸	پیش‌کش به: نخستین منادی توحید، قهرمان بت شکن ابراهیم خلیل الرحمان (ع) ...
۷۲	مخلوق خالق نمی‌شود
۷۳	عنس به پرستش
۷۳	مدءن دروغین
۷۴	زمرل بازدارنده از پرستش واقعی
۷۵	قرب پرور، غار
۷۷	نمادهای پرستش و بت‌بانی در جزیره العرب عصر جاهلیت
۷۸	آغاز بت پرستی در مناطق مختلف جزیره العرب
۷۸	سجده بر سنگ سار
۷۹	دنبال دارو
۷۹	اشکال فریبنده
۸۰	نصب بتان
۸۰	خدایان مبادله‌ای
۸۱	خدایان مخصوص
۸۲	چرا بت پرستی شرک است
۸۴	یکم، الهه منات
۸۴	منات نخستین بت
۸۵	دوم، بت لات
۸۵	داستانی از لات پرستان
۸۵	سرنوشت لات
۸۶	سومین بت یا
۸۷	خدای سرد و خاموش عَزی
۸۷	انسان قربانی سنگ
۸۸	مثلث خدایان
۸۸	سرنوشت عَزی

- ۸۹..... بت چهارم، هُبُل
- ۸۹..... سرنوشت هبل
- ۹۰..... پنجمین خدای خاموش، ذُو الْخَلْصَه
- ۹۰..... سرنوشت ذوالخلصله
- ۹۱..... داستان مضحکی از بت پرستی
- ۹۴..... اسای یازده بت و قبایل پرستنده در جزیره العرب
- ۹۶..... زا کاوی در گونه های پرستش
- ۹۸..... گزارشی از بت پرستی در مصر قدیم
- ۹۸..... نگاه مصریاریان به موضوع خدانشناسی و پرستش
- ۹۸..... تولیدی های بت سازی
- ۹۹..... نام خدایان بت ها که مورد پرستش قرار می گرفت
- ۹۹..... حیوان پرست
- ۱۰۰..... الهه پرستی در یونان قدیم
- ۱۰۳..... پرستش الهه ها در رم
- ۱۰۶..... هند و پرستش الهه
- ۱۱۰..... پرستش الهه ها و بت پرستی در چین
- ۱۱۳..... گفتار سوم باورهای بی بارور
- ۱۱۳..... نگاهی اجمالی به خرافه پرستی در دوران جاهلی
- ۱۱۶..... جایگاه رشد خرافه
- ۱۱۶..... آسیب های خرافه گرایی در ابعاد مختلف
- ۱۱۶..... درمان خرافه
- ۱۱۸..... معنای خرافه - خرافات - خرافه پرست
- ۱۱۸..... گوناگونی خرافات
- ۱۲۰..... خرافات در جزیره العرب
- ۱۲۱..... خرافه یکم: پیوند سرنوشت انسان ها با ستارگان
- ۱۲۱..... سرنوشت انسان ها با ستارگان
- ۱۲۲..... کسوف و خسوف آیات خداوند است
- ۱۲۳..... خرافه دوم: چگونگی کنترل زن
- ۱۲۳..... به هنگام مسافرت مرد در عصر جاهلیت

خرافه سوم: تطبیق رفتارهای انسان با حرکات موجودات و عوامل طبیعی	۱۲۵
چند مثال از خرافات آن روزگار	۱۲۵
خرافه چهارم: چگونگی درمان بیماران در اعراب جاهلی	۱۲۷
خرافه پنجم: راه جلوگیری از مردن بچه و نوزادان در عصر جاهلیت	۱۲۹
ششمین خرافه: چگونه ره گم کرده، راه را می یافت	۱۳۰
خرافه هفتم: آداب خاص برای مسافر در روزگار جاهلیت	۱۳۱
آداب رفته مسافر در اسلام	۱۳۱
خرافه هشتم، چگونگی اطلاع از وضعیت فرد سفر کرده در اعراب جاهلی	۱۳۳
افتخار و مباهات به موهومات	۱۳۴
اصل این مفاتح	۱۳۷
مجوز عریف از خود	۱۳۷
مصدق هدیه از خدا	۱۳۷
فخر فروشی عام و سوط	۱۳۹
مصدقی از مفاخره امام جعفر	۱۳۹
مرده شماری آغاز شد	۱۴۰
باز هم بزرگی کار پیامبر (ص)	۱۴۱
اصل دوم: منافره	۱۴۴
نگاهی مختصر به منافره	۱۴۴
شتر به عنوان جایزه برای منافره	۱۴۴
یک مصداق تاریخی	۱۴۴
حسود با خدا مخالف است	۱۴۵
اصل مصداق و داستان منافره	۱۴۵
تناسب کار با روحیه انسان	۱۴۶
چند نکته از این بحث	۱۴۸
اصل سوم، معانیره	۱۵۰
نگاهی کوتاه به خرافه سوم	۱۵۰
معنی معانیره	۱۵۰
رقیب زدایی	۱۵۰
چگونگی انجام معانیره	۱۵۰

- ۱۵۱..... مصداق عینی در تاریخ
- ۱۵۲..... تحریک غالب و چشم و هم چشمی
- ۱۵۲..... سرزنش و تحریک
- ۱۵۳..... تحریم از سوی علی (ع)
- ۱۵۳..... رویکرد اسلام با خرافه‌ها
- ۱۵۶..... نگرش اسلام نسبت به خرافات
- ۱۵۹..... بهرست مختصری از دیدگاه اسلام نسبت به خرافات
- ۱۵۹..... و معرفی نگرش این دین آسمانی
- ۱۶۲..... نیایش پایانی
- ۱۶۴..... منابع

مقدم

سپاس بی‌یکان خدا را سزد که از تجلی بارقه‌های مهرش انسان گام بر گیتی نهاد. موقوفی که در بین همه آفریده‌های حضرت باری خوش درخشید و به آفرینش معجز داد، تا آن جا که آفریننده‌اش بر این خلقت بر خود بالید و همان دم فرمود: «بارک الله لمن الخالقین» و سپاس و حمد بی حد پروردگاری را که زبان از رسدش بر نیاید و عقول بشری چون به ذات او بیاندیشد در ویل ظلمت فروافتد و چون به شگفتی‌های آفرینش بنگرد، جام جان از سکرآور حیرت، لبریز گردد.

باز هم ستایش ویژه خدایی است که انسان را از صالحان و حماء مسنون شکل داد و آن‌گاه با دمیدن نفخه‌ای از جنس مبارک اتصال فخر را از عدم به هستی شرافت بخشید و بر فرشتگان فرمان داد: «هم، هم» با ملائک مسجودتان «آدم» را سجده کنید و آن که سر از سجده باز کرد و خرد را برتر دانست و از این موجود برتر بعد خاکی او را دید و از تکریم روی برنابید، در وادی برهوت سرگردان و در ظلمت کفر و ناسپاسی حیران و در دوزخ جبار جاویدان و تا ابدیت از رانندگان گردید.

حمد و سپاس پروردگاری که آرامش را در عبودیت و جلای دل را در غبار

زدایی از عصبان و گناه قرار داد. درود و تحیت بر زیباترین گل بوستان آفرینش و برترین محصول کارگاه خلقت؛ محمد بن عبدالله (ص) که در وادی ظلمت و نادانی چون خورشید درخشید و بر سپاه جهل یورش برد و ستم بانان را از اریکه قدرت فرو افکند و عدل را بگستراند و عطر دل انگیز بیداری را بر ساحت جان ها بیافشاند و بردگان را از یوغ اربابان و طاغیان برهانید و شبان و روزان با تلاوت آیات رحمانی اندیشه ها را از شرک و قلب ها را از قساوت تطهیر فرمود. انسان این فرو افتاده در ویل نفسانیات، بر قلّه های عزّت و کرامت ایستاد.

بار دیگر در دشت گداز و قطرات باران و برگ درختان، آفریدگارم را سپاس می گویم که با سبیل مهر خویش بر این کمترین منت نهاد و توفیق نگارش سطری از صحیفه سعادت خیز و حیات پرتبارک آخرین آواگر قدسی محمد رسول خدا (ص) را عانت نمود اما حقیر اقرار دارد که درباره پیامبری که اندیشه های بشری در راه انبیا و ساحت فرزانی او فرمانده اند، پیامبری که اسوه های عقلانیت، کودک دیستان، اویند و نخبگان انسانی در برابر شخصیت شگرف او سند عجز و نادانی اضاء نموده اند، پیامبری که پژوهندگان و پژوهش گران حوزه معرفتی در هر مرغ اندیشه خویش را به آسمان بلند فکر او به پرواز درآورند، ثمری جز درخت پره بال عایدشان نگردد، پیامبری که نگارندگان نامی و نامدار تاریخ در گذرش سطری از حیات او ناتوانند، پیامبری که دانایان و داعیه داران علم و کمال در سیره حیات بر درگاه او زانوئی درماندگی بر زمین زده اند، پیامبری که مدرس کتب آفرینش و آموزگار صحیفه خلقت است، چگونه می توان قلم به دست گرفت و صفحاتی را با این قلم ناتوان به نگارش درآورد، و چه سان می توان درباره شخصیت سترگ آن انسان برتر نوشت، انسانی که دانایی و آگاهی از تراویدن و تجلی بارقه های فکری او شکل گرفته است و علم الکتاب زیر نگین انگشتی اوست

و باران وحی گستره زیبای روح او را آبیاری کرده است و عطر دل انگیز قدسی با جانش آمیخته است و تاروپود وجودش از انوار خورشید خوبی تنیده شده است پس تبیین شخصیت او که انسان کامل است، برای هیچ بشری میسر نیست، آن هم انسانی که سریر نشین قلّه شرف است. به راستی چنین انسانی را چگونه می توان با قلمی ناتوان چون این قلم و نیز بضاعت اندک انش این حقیر به رشته تحریر درآورد؟

ری تحریر زندگی پیامبر (ص) را باید پیامبرشناس بنویسد اما باید دید کدامین: درنده مکتب او، حضرتش را شناخته است؟ و کدامین بشر را می یابد که بشر پیامبر (ص) را درک و او را شناخته باشد؟ و نسبت به او معرفت پیدا کرده است؟ و از چشمه جوشان و زلال معرفت و اقیانوس معارفش قطره نوشیده است؟ و با فرهنگ قرآن او آشنایی دارد؟ و سیره او را خوب شناخته است. این ها همه نشان می دهد که برای شناخت آن برترین انسان در سازمان خلقت راه لولان درپیش داریم و نیز برای شناخت پرتوی از وجود پرتبارکش به بررسی سترده و عمری دراز نیازمندیم.

پس حقیر چگونه می تواند ادعا کند که دره رد آن شخصیت ملکوتی و اسوه ناسوتی می تواند نوشته ای سزاوارانه ده ؟؟ بنابرین بهتر آن که با اعلام عجز به پیشگاه با عظمتش و عذر تقصیر به آستان انعامش از آن مظهر مجد و رأفت بخواهم که این نوشته را پیش کش موری به ایمان دانند که به حق چنین است.

از حضرتش می خواهم او که دشنه به دستان دشمن را و نالغان ناخرد را از سیوی مهر و عطوفت خویش می نوشاند، بر این بنده کمترین با نگاه اغماض، از جسارت به دست گرفتن قلم؛ کریمانه درگذرند و به این شیدای آن رسول مکرم (ص) و به این قطره گمشده در اقیانوس موج عاشقانش با کرامت بنگرند و توفیق نگارش شایسته را برای حقیر از حضرت باری بخواهند.

امید آن است که توفیق رفیق گردد و آن چه حق است از این قلم جاری گردد تا بر دل ها نشیند و غبار زندگی مادی که نتیجه‌ای جز روزمرگی ندارد از ساحت جان خوانندگان عزیزشان پراکنده گردد و معنویت گرایی که فقدان آن در عصر ما دردناک است هر چه بیش تر خود را بنمایاند که اگر چنین گردد نویسنده به همه هدف خود نائل گشته است.

در فرجام این مقدمه لازم می دانم به نکاتی چند اشاره نمایم:

۱- نویسنده به بزرگداشت و یادداشت این نوشته از غنای فرهنگی بالایی برخوردار است، اما سعی می تواند ادعا کند که منابع و مأخذهایی که مورد استفاده قرار گرفته است از اعتبار و غنای درخوری برخوردار می باشند.

۲- در نگارش این نوشته ها که به نام سیره و سیمای آخرین آواگر قدسی «محمد رسول خدا (ص)» تقدیم خوانندگان عزیز می گردد، سعی شده است با قلمی سلیس و روان از کارگری و آرتهای ثقیل و سنگین خودداری گردد.

۳- به هنگام نوشتار این مجموعه با پیوستن از تعصب های خشک و تفرقه افکنانه که مصیبت امروز جهان اسلام است از تمامی دیدگاه ها و نظرات مختلف استفاده شده است.

۴- برخی از این نوشته ها را قبل از سال ۱۳۸۷ نوشته ام که متأسفانه توفیق ادامه نگارش میسر نشد و اینک که میسر گشته است افزون بر آن را بی حد سپاس می گویم.

۵- در نگارش این مجموعه تلاش شده است از تحولات و رخداد های دوران حیات مبارکشان، آنهایی که بیش تر روزآمد و مشکل بشریت را حل می نماید استفاده و از مطالب تکراری و غیر قابل ضرورت خودداری شده است.

۶- سعی نویسنده این بوده است که از همه منابعی که در اختیار داشته است استفاده نماید. به عنوان مثال در بخش استفاده از تفاسیر قرآن عزیز و شریف،

از تفسیر المیزان که تفسیری فنی و حوزوی است استفاده شده است و هم از تفسیر نمونه که در روان نویسی و فهم عامه و سلیس نگاری به حق نمونه است بهره گرفته ام و در قسمت تاریخ کوشش شده است هم از نویسندگان غیر مسلمان غربی مانند ویل دورانت نویسنده تاریخ تمدن، جان بایرناس نگارنده کتاب جامع الادیان، جرجی زیدان نویسنده تاریخ تمدن اسلام و وستاوبون صاحب کتاب تمدن اسلام و عرب و تاریخ عرب نوشته فیلیپ وری حتی، تاریخ مسلمان عرب نوشته آلبرت حورانی و تاریخ اسلام پیش از هشر، سنگاه کمبریج، محمد رسول خدا (ص) نوشته خانم آنه ماری شیمیل ترجمه زنده یاد دکتر حسن لاهوتی از نگارندگان تاریخ اسلام استفاده نمایم و هم از نویسندگان کهن و با قدمت در عرصه سیره نویسی و تاریخ اعم از سنی مدعیان یا شیعه و پیرو علی بن ابی طالب (ع) هم چون الصحيح من سیره النبی الاعظم به امام عاظمه سید جعفر مرتضی عاملی ترجمه دکتر محمد سپهری، تاریخ یعقوبی، تاریخ پیاپی (ص) به قلم دکتر آیتی، تاریخ طبری، کامل ابن اثیر، روضه الصفا، خدمه ابن خلدون، نهایه الارب، تاریخ ابن هشام، فروغ ابدیت نوشته آیت الله سبحانی، اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام نوشته مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و چند کتاب دیگر بهره برم، که در این جا برای همه آن نویسندگان اگر رعید، بیانتند، آرزوی موفقیت در گام گذاری در بوستان بندگی و خدمت به امت اسلام و اثر رسالت بر تراب تیره نهاده اند طلب آموزش و علو درجات مسئلت می نمایم.

۷- از همه خوانندگان که به نعمت سعه صدر مسلح اند می خرواشم که استقامت و نقائص این سلسله نوشتار را بر اساس سخن گران سنگ غواص افیانوس معارف، امام صادق (ع) که فرمودند «أَحَبُّ اخْوَانِي إِلَى مَنْ أَهْدَا إِلَى عُيُوبِي» به حقیر هدیه فرمایند و یقین بدانند هم سپاس نویسنده را دریافت خواهند فرمود و هم ارشاد اتشان با گوش جان فرا گرفته و به منصه ظهور خواهد آمد.